



تفصیلات و اطلاعات جدید مهاجرت در
www.abravani.com



صفحه اول | درباره ما | گویا

شنبه 4 تیر 1390

رادیوسکوپي پیکره فساد در نظام ولایت فقیه (بخش نخست)، ژاله وفا

در این نوشتار قصد دارم جابجا با نقل از موارد مشابه شیوهی عمل رانت‌خواری در سال‌های مدیریتی آقای کرباسچی و شیوهی عمل در دولت احمدی‌نژاد یکسانی روش و تداوم فساد را در نظام ولایت فقیه پیش‌روی قضاوت نسل جوان قرار دهم



« نسخه قبیل چاپ
« ارسال به بالاترین
«
« ارسال به فیس بوک
« ارسال به توئیتر

تبلیغات خیرنامه گویا	advertisement@gooya.com
دوچپه وله	

jalehwafa@yahoo.de

در زمان وقوع پیوستن کسوف در حالی که میلیون‌ها انسان در سراسر جهان محو تماشا و توجه به خود پدیده کسوف می شوند، برای اخترشناسان به مدت یکی دو دقیقه حیاتی، فرصتی ذقیمت دست میدهد تا نه به رویت خود رخداد کسوف مشغول شوند، بلکه با استفاده از شرایطی که کسوف ایجاد کرده است به بررسی دقیق پدیده‌های دیگری بپردازند که خارج از این شرایط کمتر امکان رویت دقیق آن برای اخترشناسان وجود دارد. از قبیل: اندازه گیری قطر خورشید، رصد کردن لایه‌های خارجی جو خورشید، اندازه گیری انحنای فضا- زمان با پدیدار شدن ستاره‌ها، پیگیری مسیر و نوع ستارگان دنباله دار و بررسی ستارگان دنباله‌دار را که در حضیض هستند، شناسایی نوع تشعشعات خورشید و ... این پدیده‌ها تنها در موقع کسوف وضوح کامل می‌یابند و قابل اندازه گیری دقیقند.

به زعم نگارنده با مشاهده پدیده تلاشی نظام ولایت فقیه، و فرصتهایی که در طی پروسه انحلال، با درگیریهای جناحین آن خصوصا در اجرای عملی حذف یکی از باندهای مافیایی خود در اختیار می‌گذارد، نیز همانند پدیده کسوف میتوان در شناسایی چند مساله اساسی بهره برد و به مدد این فرصت چند مساله را تجربه کرد و درس گرفت. مسائلی از قبیل ساختار نظام ولایت فقیه، عمق نفوذ فساد در ارکان آن، نحوه دقیق عملکرد رانت در این نظام، کارآمدی یا عدم کارآمدی نظریه اصلاح طلبی که حفظ ماهیت نظام با احقاق حقوق مردم را قابل جمع می‌داند و از مطالعه این پدیده‌ها در سهایی در بهبود موقعیت جنبش اجتماعی مردم ایران بکار گیریم.

ابتدا قصد داشتم در این نوشتار به بررسی چگونگی عملکرد رانت خواری در دولت فعلی با استناد به افشاگریهایی که در باره باند احمدی‌نژاد آنهم بصورت گزیده انتشار یافته است، بسنده کنم. ولی از آنجایی که فساد یک شبه ایجاد نمی گردد و چون از جنس زور است، برخورد افزا است و به میزان رشدش، ابعاد تخریبش نیز روز بروز افزون می گردد و در نظام ولایت فقیه نیز فساد مختص دوره احمدی‌نژاد نیز نبوده و نیست و شیوه‌های غیر قانونی از زمانی مرسوم و پایه گذاری می شوند و به مصداق ضرب المثل معروف "زهره جمع گردد و انگهی دریا شود" ادامه می‌یابد.

برحسب احساس وظیفه ای که نسبت به نسل جوان وطنم دارم که تحقق آینده ای روشن و سالم حق مسلم آن است ولی در مبارزه با نظام حاکم، بعضا از روند شکل گیری فساد در این نظام و رخنه اش در ارکان آن به مثابه خمیرمایه ماهیت فساد و مافیایی آن بی اطلاع است، و از طرفی نیز آماج تئوریهایی اصلاح طلبی و لزوم مصالحه با رهبری فاسد تر این نظام نیز قرار می‌گیرد، با استناد به داده‌های مسئولین و کارگزاران همین نظام در دو مقطع تاریخی متفاوت طی چند شماره مقایسه ای از مکانیسم فساد در دوران آقایان رفسنجانی و خاتمی و مقایسه اش با دوران احمدی‌نژاد بدست دهم. مقدمات جهت یادآوری خاطر نشان می‌سازم که در سال ۱۳۷۷ همانا در دومین سال دوره اول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، آقای کرباسچی که همراه حزب کارگزاران سازندگی از طرفداران کلیدی آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بود، به همراه عده دیگری از معاونانش و شهرداران مناطق تهران توسط حفاظت اطلاعات نیروی

نقش لیبرالیسم ایرانی در آیینی لاکانی،
نقدی بر نوشته‌های هوشنگ ماهر و بیان،
رنوف طاهری- دامون افشلی



در مجموع لیبرالیسم ایرانی به دلیل عدم موفقیت در کسب انسجام نظری - عملی و به دلیل از ریخت افتادگی شمیلی که در عرصه‌های فکری - سیاسی از خود به منصفی ظهور رسانده است؛ در "مرحله‌ای آیینی‌ای (خیالی)" دچار سقط چنین شده و در ورود به سلطه‌های نمادین و واقعی جهد بی‌توفیقی را تجربه کرده است ... [ادامه مطلب]

با آپ هفت دریا نیز ننگ کشتار ۶۷ را
نمی‌توان شست، ایرج مصداقی



اگر نظر محسن موسوی را بپذیریم که امروز صحبت در مورد گذشته "پیش‌تر به نفع سیاست جریان حاکم است"، این سوال پیش می‌آید تا نیرو که این "جریان حاکم" نبود چرا سکوت کردید؟ وقتی هشت سال هم مجلس و هم دولت در اختیار "اصلاح‌طلب"‌ها بود چرا سکوت کردید؟ باید پرسید وقتی آیت‌الله منتظری در سال ۶۷ اعتراض کرد و شما "جریان حاکم" بودید و مخالف قتل‌عام‌ها، چرا با او همراهی نکردید و به جای این برای برکناری او از قائم مقامی توطئه کردید؟ چرا فراموش پایین‌گشتن محسن‌های او از ادوات را دارید؟ چرا گذاشتید تنها بماند؟ ... [ادامه مطلب]

تبلیغات و نیاز مندیها

« شهروندپار: بانگیزی امنیت در اینترنت، دانیل پوریوت
های آموزشی و آشنایی با مبارزات مدنی مسالمت آمیز

در همین زمینه

- 12 مرداد « رادیوسکوپي پیکره فساد در نظام ولایت فقیه (بخش چهارم)، ژاله وفا
- 28 تیر « رادیوسکوپي پیکره فساد در نظام ولایت فقیه (بخش سوم)، ژاله وفا
- 14 تیر « رادیوسکوپي پیکره فساد در نظام ولایت فقیه (بخش دوم)، ژاله وفا
- 2 خرداد « شرایط کنونی جنبش ملی و راهکارهای پیشبرد آن، ژاله وفا
- 4 بهمن « ناتوانی که ناتوانی خود را توانایی جلوه می‌دهد بر ناتوانی‌اش می‌افزاید، ژاله وفا

بخوانید!

- 12 مرداد « رادیوسکوپي پیکره فساد در نظام ولایت فقیه (بخش چهارم)، ژاله وفا
- 12 مرداد « احمد شهبود خوستار اجازه سفر به ایران شد، نوحه وله
- 12 مرداد « اکثر نمایندگان موقر طرح تعطیلی پنجشنبه‌های مدارس هستند، خبر آنلاین
- 12 مرداد « شلیک تانک‌ها در حمله ادامه دارد، رادیو زمانه
- 12 مرداد « حسنی مبارک اتهام‌های خود را رد کرد، بی بی

گواهینامه
بین المللی
راندنگی از امریکا

با غزنامه دوم
از راه

انشارات انقلاب اسلامی

صرافی پارسا

گزارش شود از قربانیان
نقض مشوق بشر را
با ما در میان بگذارید

مهم‌ترین
روزنامه عصر

سرویس خبری
شهرزاد نیوز

Iran Estate
مشاور املاک ایران

فرهنگ، سنت و سیاست
اثری برای نقش حقوق بشر زنان
چهار مقاله

استخدام شرکت های خارج

ایران

آیا میدانید
کدام گزینه مهاجرت
به کانادا

سی

پرخواننده ترین ها

« سوالی در باره نزدیکی یا همسر در ماه مبارک رمضان + پاسخ آیت الله العظمی (18+) »
 « مر اهل ساخت قفس محاکمه مبارک (گزارش تصویری) »
 « احمد شهید خواستار اجازه سفر به ایران شد، دوپچه وله »
 « اسپینگل: نیروی هوایی اسرائیل می خواهد به ایران حمله کند موباد نمی گذارد! انتخاب »
 « صحنه هائی از جن گیری و تفرزی درمائی خاتمهائی ایرانی در دبی (ویدئو) لنز ایران »
 « با آب هفت دریا نیز تنگ کشتار ۴۷ را نمی توان شست، اورج مصداقی »
 « علی مطهری: فلسمی از سیاه باز نشسته شود تا از وزارتش استقبال کنیم، مهر »
 « عکس روی جلد الیوم... (گزارش تصویری) »

انتظامی به فرماندهی سردار نقدی دستگیر و بازجویی شد. سردار نقدی چندی بعد در دادگاه نظامی به اتهام شکنجه شهرداران به ۸ ماه حبس قطعی محکوم شد، گرچه هیچگاه خبری از زندانی شدن وی در رسانه‌ها منتشر نشد. در طول یک سلسله جلسات دادگاه بین دانستان وقت و آقای کرباسچی مدارکی رد و بدل شد و پرونده ها و شیوه های عملکردی در سیستم مدیریتی نظام علنی گردید و در خاتمه دادگاه آقای کرباسچی از سوی غلامحسین محسنی اژهای به اتهام جرایم مالی محاکمه و به ۳ سال حبس و ۱۰ سال محرومیت از مشاغل دولتی و جزای نقدی محکوم شد. وی از جمله متهم به استفاده از امکانات شهرداری تهران در جهت حمایت از کاندیدایی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری بود.

نگارنده در تیر و مرداد ماه ۱۳۷۷ طی چند مقاله تحت عنوانهایی چون "مکانیسم فساد مالی در نظام مافیایی" و "مواردی که با گلاب نیز معطر نمیشود" و ... از ورای محاکمه شهردار تهران به بررسی مکانیسم فساد مالی در نظام مافیایی حاکم بر ایران پرداختم.

خوانندگان محترم مستحضرنند که تا زمانی که در نظام ولایت فقیه الزامات قدرت مبنی بر تقسیم به دو و حذف یکی از طرفهایی که قدرت وجودش را دیگر لازمه ادامه حیات خود نمی بیند، دامن مخالفان نظام و اپوزیسیون خارج از حاکمیت را می گرفت، و آنها ترور فیزیکی و اخلاقی و سرکوب می شدند، تمامی جناحین داخل نظام در دفع مخالفان نظام هم صدا و همدست عمل می کردند، اما از آنجا که قدرت هیچگاه رقیبی برای خود قائل نیست و بکه تازی بلا منازع را خواهان است، دور از انتظار نبود که پروسه حذف دامن جناحین داخل نظام را بگیرد که گرفت.

اکنون با گذشت ۱۳ سال از دعوی جناح داخل نظام ولایت فقیه در آن زمان، و تبعات آن همانا روشن شدن "رسمی بخشی از فساد های آن دوره، بار دیگر مکانیزم تقسیم به دو و حذف بخش مزاحم، ایجاب کرده که حتی نور چشمی و کاندیدای مورد وثوق رهبری نظام یعنی آقای احمدی نژاد که به خاطر قبضه قوه مجریه و یکست کردن هر سه قوه در اختیار رهبر و مافیاهای سپاه، با آن تقلب افتضاح آمیز نامش از صندوقهای خود ساخته بیرون آورده شد، مورد غضب رهبری واقع گردد و کوچکترین مخالفت وی با خود را بر روی این نظام پذیرفته نگردد. بدنبال قضیه ای "استغفا"ی مصلحی که فاز جدید شکاف درون جبهه کودتا را بر ملا نمود از درون جبهه کودتا و طرفدار خامنه ای نخست حمله به اطرافیان احمدی نژاد آغاز شد، سپس برخورد با خود احمدی نژاد در دستور قرار گرفت و اخیرا نیز محافظه کاران منتقد دولت در دور تازه حملات خود علیه تیم "محمود احمدی نژاد"، اسنادی از رانت خوارهای مالی - اقتصادی آنان را افشا کرده اند و اسناد افشاشده پرده از فساد دو مقام دولتی یعنی "سندفیار رحیم مشایی" رئیس دفتر احمدی نژاد و "حمید بقایی" معاون احمدی نژاد و رییس سازمان گردشگری و میراث فرهنگی برمی دارد.

در این نوشتار قصد دارم جا بجا با نقل از موارد مشابه شیوه عمل رانت خوار در سالهای مدیریتی آقای کرباسچی و شیوه عمل در دولت احمدی نژاد یکسانی روش و تداوم فساد را در نظام ولایت فقیه پیشرویی قضاوت نسل جوان قرار دهم. نگارنده هدفش از پرداختن به این مساله نه اثبات و یا رد موارد اتهامی است، چرا که اینجانب نه در مقام قاضی قرار دارم و نه دسترسی مستقیم به اسناد دارم، بلکه قصد دارم با استفاده از داده های مسئولین خود رژیم و از ورای آن نظری به سیستم فساد این نظام افکنده و با استناد به نقل قول ها (در مورد آقای کرباسچی نقل قول مستقیم خودش از روی صورت جلسه دادگاهش، اما در مورد آقای احمدی نژاد حتی اگر در اکثر موارد نقل قول مخالفان وی باشد)، توجه را نه به اشخاص بلکه به شیوه های یکسان رانت خوار در نظام ولایت فقیه معطوف نمایم.

در رژیم سراسر آلوده به فساد ولایت فقیه در واقع الیگارشی مافیایی حکومت کرده و می کند. این رژیم در راستای بر آوردن توقعات روز افزون قدرت به ایجاد و برقراری روابط تنگاتنگ و تو در تو تار عنکبوتی فساد در دستگاه اداری و مدیریتی پرداخته است. موسسات و ادارات و بنیاد های در خدمت این رژیم همگی تابع متغیر توقعات روز افزون قدرتنند. در این تار عنکبوت در هم تنیده مافیایی تارهای کلفت و نازکی وجود دارند. نگاهی به شیوه ها یکسانی عملکرد این دستگاهها رادر تبعیت از قانون فساد مشخص و محرز میگرداند و همین یکسانی عملکرد مبین این امر است که پیوسته در هر رژیم استبدادی ولایت اصلی با قدرت و فساد بوده و خواهد بود و همچون سرطانی به تمامی اجزای آن رژیم تسری می یابد.

درنظام ولایت فقیه در بعد فساد اقتصادی و مالی سه روش و رویه عمده بکار می رود.

۱ - ایجاد حسابهای دویل و بودجه های موازی و مخفی برای خاصه خرجیهایی شخصی و سوء استفاده از این حسابها جهت مقاصد سیاسی در حالی که هیچگونه نظارت و کنترلی بر آنها وجود ندارد

۲ - رواج به شدت رشاء و ارتشاء

۳ - ایجاد روابط تنگاتنگ شخصی قدرت مابین اعضای مافیای رژیم به نحوی که مجاری و مکانیسمها، مجاری و مکانیسمهای قانونی نیستند بل مجاری و مکانیسمهای روابط شخصی می باشند.

نمونه ها در مورد بند ۱ از این قرارند:

در دوره کرباسچی در شهرداری تهران با استناد به اقرار کرباسچی در دادگاه: "بر اساس مصوبه ای در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ با مجوز "وزیر" وقت کشور (بشارتی)، قرار بر این گذاشته شده بود که حدود نیم تا یک درصد از افزایش در آمد حاصله شهرداری در طول سال در اختیار شهردار قرار گیرد تا به مدیران شهرداری که نقش موثری در این افزایش در آمد (!) داشته اند پرداخت شود و به دلیل بالا بودن این مبلغ در طول ۸ سال قرار بر این می شود که از پول یاد شده ماهانه به مدیران و معاونان داده شود و صندوقی نیز به این منظور در نظر گرفته شد و پولی که به این

ترتیب هزینه شده و سند می خورد، دیگر پول دولتی (متعلق به شهرداری) محسوب نمی شده (!) و پول شخصی مدیران محسوب می شده است. که البته تنها شخص شهردار فرمان و این هزینه آن را به مصرف دلخواه صادر می کرده است. در واقع و باز به اقرار خود کرباسچی: "حساب این صندوق به هیچ وجه مکتوب نبوده است و این مبلغ و پول از آنجا که از حساب شهرداری خارج می شده است و به حساب شخصی مدیران شهرداری واریز می شده است، چنانچه خود مدیران شاکی خصوصی نمی شدند قابل پیگیری نبوده است."

به اقرار کرباسچی در دادگاه از "حساب مدیران شهرداری" ماهانه مبلغ ۸۰ هزار تومان (در بیش از ۱۳ سال پیش این مبلغ کم نبوده است) به مدیران و معاونان پاداش داده می شده است. رئیس دادگاه معتقد بود اسناد و مدارک شاهدند که مبلغ بسیار بیشتر از ۸۰ هزار تومان ماهیانه بوده است. به آقای آشوری وام بلاعوض ۲۵ میلیون تومانی (وام قرض الحسنه ۲۳ میلیون تومانی) یک پژوی ۴۰۵، یک خودروی تویوتا، یک حواله تویوتا به وی و همسرش و ۶۰ متر مربع از زمین باغ وحش به قیمت ۷۵ هزار تومان (که وی آن را به متری ۱۱۰ هزار تومان بفروش می رساند) و نیز یک دستگاه آپارتمان و ۵۰ عدد سکه بهار آزادی داده می شود. به اقرار کرباسچی ایشان مبلغ ۲۵ میلیون تومان به آشوری جهت عمل قلب و مسافرت وی به انگلستان پرداخت می کند و به گفته رئیس دادگاه همان موقع آشوری با این پول زمین باغ وحش را از شهرداری می خرد. همچنین در طول دادگاه معلوم گردید که مبلغ ۵۰۰ هزار تومان در پایان هر سال و ۵ میلیون تومان به تعداد ۴۲ نفر از مدیران شهرداری "پاداش" داده می شده است. و به مدیران شهرداری همچون تقضلی، آشوری، قبه، حقانی، موسوی، تنقی زاده، قمصری و نصرتی کمکهای ۲۰۰ هزار تومانی و ۵۰۰ هزار تومانی و ۵ میلیون تومانی در پایان هر سه ماه و هر سال بعنوان حساب تراز نامه پرداخت میشده است.

و باز بنا به اقرار کرباسچی در دادگاه: "وی از "حساب مدیران شهرداری" مبلغ ۲۶۰ میلیون تومان در جریان "انتخابات مجلس" پنجم به گروه کارگزاران (متماثل به جناح رفسنجانی که کرباسچی عضو اصلی آن بوده و مدتی نیز دبیر کلی آن حزب را به عهده داشت) جهت مصرف در فعالیتهای انتخاباتی و مستقیماً به شخص علی هاشمی تحویل می دهد."

و جلب اینکه در پاسخ به این سوال که آیا صدور این مجوزها قانونی و یا دارای حساب و کتاب مشخص و قابل کنترلی بوده است؟ شخص کرباسچی در دادگاه چنین می گوید: در هر دستگاهی به مدیران آن اختیاراتی داده شده و در صورت اجرای آن کسی نمی تواند از مدیران راجع به انجام آن اختیارات سوال کند و حساب و اسناد شهرداری در اختیار معاونت مالی و اداری است ولی این حساب مدیران را ما بین خودمان داشتیم و می گفتیم، این وام بوده و یا بلاعوض و چون حساب مشخصی نبوده و قرار هم نبوده است که به جایی حسابی پس بدیم (!) دفتر مختصری داشتیم که بدانیم این پول را چگونه صرف کرده ایم. و در جواب این پرسش که وزیر کشور از لحاظ قانونی چکاره بوده که اجازه بوجود آمدن "حساب مدیران" از محل درآمدهای شهرداری را بدهد؟ وکیل کرباسچی پاسخ می دهد: "وزیر" کشور به حکم عقل این اختیار را داشته است!"

دوره "خدمت!" احمدی نژاد!

قبل از رسیدن به عملکرد احمدی نژاد در مقطع زمانی کنونی، بایستی از نحوه عملکرد وی در مدیریتهای قبلی سخن گفت. محمود احمدی نژاد نیز در دوران استاندار بودنش در اردبیل، ماجرای شبیه کرباسچی در کمک های غیر قانونی به مدیران و دوستانش دارد که هیچ گونه نظارتی بر آنها صورت نگرفته است. احمدی نژاد تا سال ۱۳۷۲ یعنی اولین سال از دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که تا آن زمان فرماندار ماکو و خوی بود، در سال ۷۲ به سمت اولین استاندار استان تازه تاسیس اردبیل انتخاب شد و تا پایان عمر دولت رفسنجانی در سال ۱۳۷۶ این سمت را حفظ کرد. صادق محصولی از یاران دیرین احمدی نژاد در دانشگاه علم و صنعت که در زمان جنگ و هنگامی که احمدی نژاد فرماندار ماکو بود، و عضو حلقه معروف به حلقه ارومیه (مجتبی ثمره هاشمی، سفیدپار رحیم مشایی، پرویز فتاح، محمود احمدی نژاد و صادق محصولی) فرمانداری ارومیه را اداره می کرد، پس از پایان جنگ به کارهای اقتصادی از جمله ساخت و ساز مسکن روی آورد. گفته می شود وی یکی از کسانی بود که در وارد کردن سپاه پاسداران به فعالیتهای اقتصادی نقش به سزایی داشت. زمانی که احمدی نژاد به استانداری اردبیل رسید، صادق محصولی هنوز وارد کارهای بزرگ اقتصادی نشده بود تا اینکه ماجرای مزایده سوآپ نفتی نخجوان پیش آمد. (سوآپ، قراردادی است که مطابق آن به جای آنکه نفت از جنوب کشور با هزینه فراوان به شمال ارسال شود، سوخت مورد نیاز شمال از کشورهای همسایه خریداری شده و مابه‌ازای آن، نفت در جنوب صادر می شود). در زمان استانداری احمدی نژاد، صادق محصولی دوست وی، برنده مزایده سوآپ نفتی نخجوان شد! دویچه وله در تاریخ خرداد ۸۸ اظهارات اسماعیل گرامی مقدم "نماینده" مجلس هفتم را در ادامه در مورد این مزایده چنین نقل می کند: "«آقای احمدی نژاد به عنوان استاندار اردبیل کمک غیرقانونی کرده بودند در این که مزایده سوآپ به اسم آقای محصولی و دوستانشان در بیاید و از منافعی که آنجا دارند بیشترین بهره‌برداری را داشته باشند. در آن زمان آقای صادق محصولی یک سپاهی بودند که هیچ چیز نداشتند و با رانت آقای احمدی نژاد به این ثروت رسیدند که ایشان چهار سال پیش خودشان گفتند قیمت خانه‌ای که می‌نشینند ۱۰ میلیارد تومان است و حالا معلوم نیست قیمت آن خانه با این افزایش قیمت ملک در تهران به چقدر رسیده. ولی در مورد جزئیات بیشتر این پرونده به نظرم می‌رسد که دو نفر کاملاً در جریان این پرونده به صورت ریز هستند. یکی آقای یونسوی وزیر اطلاعات دولت آقای خاتمی و یکی آقای موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات. پرونده نفت اردبیل هم اکنون در حراست وزارت کشور و وزارت اطلاعات مفتوح است و به گفته‌ی گرامی مقدم هیچکس جرأت پیگیری آن را ندارد. اما جالب این است که آقای خاتمی که پیوسته خواهان

اجرای بلا تراز قانون اساسی است یعنی به زعم وی، حفظ نظام و برقرار ماندن مناصب و اختیارات بیشمار رهبری در قانون اساسی با رعایت حقوق مردم منافاتی ندارد و قابل جمع است، فراموش می کند که وقتی در عمل آقای موسوی لاری وزیر کشورش با علم بر این پرونده فساد، حکم شهردار تهران شدن احمدی نژاد را در دوره خود امضا می نماید و از آن امتناع نمی ورزد و بدینسان به فاسدی ارتقاء مقام نیز میدهد، و حق مردم را در دانستن فساد که از حراج منابع آنها صورت گرفته است، پایمال نموده آنها را سانسور می کند، این عملکرد خود اقوا دلیل بر این است که (حتی بر فرض اینکه بر این گمان باشیم آقای لاری از پنهان داشتن این فساد نیز ناراضی بوده است) تا زمانی که فساد ماهیت نظام را تشکیل میدهد و اصل بر حفظ سر فاسد این نظام است، در این سیستم فساد پرور نه تنها فساد سنتزی ممکن نیست، حتی اگر فساد سنتزی را نیز به مبارزه با مقصد تقلیل دهیم، همان نیز امکان پذیر نیست. از اینرو در نظامی سراسر فساد چون ولایت فقیه امکان ندارد حقوق مردم پایمال اوامر و نواهی قدر قدرتی چون ولی فقیه و کارگزارانش نشود. و اما ماجرای تخلف ۳۰۰ میلیارد تومانی احمدی نژاد در شهرداری تهران که در مناظره معروف بین وی و کروی نیز از آن نام برده شد، و محمود احمدی نژاد هربار که با پرسش کروی از وی در مورد ۳۰۰ میلیارد تومان گم شده در شهرداری روبرو می شد، از کروی مجرای ۳۰۰ میلیون تومانی را می پرسید که شهرام جزایری که به فساد مالی متهم شده بود به کروی داده بوده است، در سومین دور انتخابات شورای شهر که یک سال پس از نشستن احمدی نژاد بر صندلی ریاست جمهوری برگزار شد، لو رفت و تبدیل به محلی برای فاش شدن تخلفات مالی شهرداری تهران در زمان محمود احمدی نژاد شد. اولین گزارش تخلف در مورد ۳۰۰ میلیارد تومان هزینه فاقد اسناد مالی، از سوی نادر شریعتمداری، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای دوم شهر تهران مطرح شد. همزمان برخی از نمایندگان مجلس هفتم از جمله اکبر اعلی و اسماعیل گرامی مقدم طرح تحقیق و تفتیش از شهرداری تهران را ارائه کردند. اسماعیل گرامی مقدم معتقد است هر چند هیچگونه مدرک و سندی در مورد این ۳۰۰ میلیارد تومان از سوی آقای احمدی نژاد ارائه نشده، اما برای همگان روشن است که این پول به کجا رفته است: «سیصد میلیارد تومان منابع شهرداری است که جذب شده، اما هزینه کرد و مصرف آن روشن نیست و هیچ گونه مدرک و سندی در این خصوص از سوی شهرداری سابق ارائه نشد. در حقیقت ما در شهرداری تهران سیصد میلیارد تومان کسری مالی داریم که معلوم نیست که کجا رفته است. البته انتخابات دوره گذشته ی آقای احمدی نژاد، واهی می که از طرف صندوق انصارالمجاهدین به معلم ها داده می شد و هزینه های بسیار زیادی که در مراسم های مختلف انجام می شد، معلوم است که از این پول بوده است. چون متولی آن مصرف ها آقای احمدی نژاد بوده، ولی هیچ گونه فاکتور و اسناد مالی برای مصرف این سیصد میلیارد تومان وجود ندارد و در طرح تحقیق و تفتیش هم وقتی که ما به کمیسیون عمران دعوتشان کردیم، هیچ گونه مدرکی ارائه ندادند. ولی کاملاً روشن و واضح است که سیصد میلیارد تومان به حساب شهرداری تهران آمده است»

و اما پاسخ مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران و نیز استدلال حمزه شکیب عضو شورای شهر تهران در باره اینگونه حسابهای مخفی و غیر قابل کنترل، استدلالی شبیه استدلال کرباسچی در ۱۳ سال پیش است. چمران در این مورد به خبرنگار ایلنا می گوید: "هزینه های فاقد" در شهرداری یک اصطلاح است و در مورد هزینه هایی که کار می رود که در برنامه پیش بینی نشده یا فراتر از برنامه است. وقتی از کلمه "فاقد سند" استفاده می شود، این تصور به ذهن متبادر می شود که هزینه ها فاقد سند است. واژه "فاقد" را از ذهن پاک کنید و به جای آن لفظ "فراتر" یا "خارج از برنامه" را بنشانید». حمزه شکیب، عضو شورای شهر در این رابطه نیز می گوید: "شهرداری حق دارد ۱۰ درصد از بودجه را در پروژه ها جابه جا کند، بدون آنکه نیاز به سند داشته باشد. این رسمی قدیمی در شهرداری است، این رقم برای آقای احمدی نژاد ۳۰۰ میلیارد تومان بود. این به معنای نبود پول نیست، بلکه شهردار از اختیارات خود برای جا به جایی بودجه در پروژه ها استفاده کرده است."

مقتضی است که نسل جوان کشور ذهن کنجکاو خود را معطوف این امر کند که وقتی از نهادینه شدن فساد در نظام ولایت فقیه و همزادی و همجنسیت با استبداد می گویم، منظور دقت بر روی عملکرد نظام ولایت فقیه در فساد و مقصد پروری است که چگونه مواردی که ۱۳ سال پیش کرباسچی به خاطر آنها محکوم و مورد مواخذه قرار گرفت، صرفاً یک تصفیه حساب سیاسی بوده است و نه تنها از سیستم مدیریتی در این نظام فاسد رخت بر نیسته است، بلکه بر ابعادش نیز بسیار افزوده شده است و ۱ درصد دوران کرباسچی بدل به ۱۰ درصد گردیده است! و تا مادامی که نظام استبدادی ولایت فقیه و مافیای مالی - نظامی برجاست افزوده تر نیز خواهد شد. و اما جالب اینکه آقای کرباسچی ۱۱ سال بعد از محاکمه خود به اتهام برداشت غیر قانونی از حساب شهرداری، در تاریخ ۱۷ خرداد ۸۸سایت آفتاب (در سمت مسئول ستاد تبلیغاتی آقای کروی، از محصولی، علی آبادی و سعیدلو به عنوان سه تن از اعضای هیئت دولت احمدی نژاد یاد کرد که ثروت آنها بیش از تمامی وزرا و روسای جمهور دولت های گذشته است و با اشاره به مفقود شدن ۳۰۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری در دوره خدمت احمدی نژاد خاطر نشان کرد: «هیچ سندی مبنی بر چگونگی هزینه کرد این مبلغ ۳۰۰ میلیارد تومان وجود ندارد اما شورای شهر و مجلس هم خطا با شهرداری تهران اجازه ندادند که تحقیق و تفتیش برای پیدا کردن این مبلغ انجام شود. این در حالی است که تحقیق و تفتیش مذکور در کمیسیون های مجلس هفتم به تصویب رسیده بود اما آقای حداد عادل که دوست آقای احمدی نژاد هستند مانع از انجام آن شدند»

اما در ممانعت از افشای پرونده های فساد از وزیر و وکیل و کارگزار تا راس این نظام یکسان عمل می کنند، بیاد

داریم که محمدرضا رحیمی که با سابقه استانداری در دولت هاشمی رفسنجانی و عضویت در شورای سه نفره جناح راست به همراه باهنر و کردان در دهه هفتاد، یکی از چهره های راست سنتی محسوب می شد و بر این اساس به ریاست دیوان محاسبات در مجلس هفتم منصوب گردید، مدتی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ یک باره تغییر جهت داد و به یکی از حامیان سرسخت احمدی نژاد تبدیل شد و پست معاونت او را اشغال کرد. و چگونه برخی نمایندگان "مجلس" نظام همچون احمد توکلی، الیاس نادران و علی مطهری، ضمن مطرح کردن "کشف و شناسایی باند بزرگ مفاسد اقتصادی" و "شبکه های فساد مالی و اختلاس و زدو بند"، با استناد به اسناد و شواهدی معاون اول دولت کودتا را از متهمین رده اول و سر دست این شبکه های فساد معرفی نمودند و از عدم برخورد قضائی با وی، ابراز ناخرسندی کردند. و بنا بر قول احمد توکلی رئیس مرکز پژوهشهای "مجلس نظام (شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۰) جهان نیوز" حتی سه قاضی با سابقه آقایان اژه ای، رئیسی و خلفی که قضات با سابقه و خوشنام کشورمان هستند (!) پرونده رحیمی را مطالعه کردند و یک سال پیش به نزد احمدی نژاد رفتند و به وی گفتند ما سه قاضی به اتفاق آرا تایید می کنیم که توجه اتهام به آقای رحیمی قطعی است و باید تعقیب شود اما احمدی نژاد ۱۰۰ دقیقه برای این ۳ نفر سخنرانی کرد و از توطئه علیه دولت یاد کرد و به صورت قاطع از معاون اول خود حمایت کرد. و بالاخره خامنه ای نیز از ترس رسوایی هر چه بیشتر هزینه هایی که توسط باند رحیمی صرف افتتاح تقلب در بر سر کار آوردن دولت کودتا شده است، پیگیری این پرونده را با حکم حکومتی خود متوقف کرد.

به هرحال احمدی نژاد به مثابه کارگزار فاسد این نظام، اقدام به خرج ۳۰۰ میلیارد تومان منابع شهرداری تهران کرده است و یا باند رحیمی مبالغ هنگفتی را خرج افتتاح "انتخابات" که منجر به تقلب به نفع احمدی نژاد شده است کرده است ولی هیچ سندی برای این هزینه ها وجود ندارد و یا دارد ولی مردم نامحرمند. همان گونه که در پایان دوران ریاست جمهوری وی نیز ابعاد آن بسیار گسترده تر شد و من باب نمونه در گزارش تقریب بودجه سال ۸۶، از انحراف ۶۰ درصدی در بودجه خبر داده شد و گزارش دیوان محاسبات از گم شدن یک میلیارد دلار از درآمدهای نفتی و یا نامشخص بودن چگونگی هزینه کرد ۵۰ درصد از منابع حساب ذخیره ارزی که باید مطابق قانون در اختیار بخش خصوصی قرار می گرفت، خبر میدهد.

نگارنده در بررسی بودجه سال ۸۸ در مقاله ای تحت عنوان "لایحه بودجه ۱۳۸۸، بودجه ای "انتخاباتی"، بخش اول" از میل فزونی طلب دولت بر سیطره اش بر بودجه نام بردم و تاکید کردم:

"در نظام ولایت فقیه هر ارکانی و ولایت مطلقه خود را خودسرانه اعمال میکند تا جایی که حکومت احمدی نژاد به هیچ وجه واقعی به "مجلس" همین نظام هم نمی نهد و خود را ملزوم به اجرای مصوبات آن نمی داند. در واقع در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ محرز شد که حکومت احمدی نژاد مصوبه "مجلس" در هنگام بررسی بودجه ۱۳۸۷ مبنی بر افزایش ردیف ها از ۳۹ ردیف لایحه به ۲۶۰ ردیف را نادیده گرفته و در عملکرد مالی بودجه امسال خود هیچ توجهی به تفکیک نداشته و همان ۳۹ دستگاه مورد نظر خود را در لایحه گنجانده است! یعنی در واقع در اعمال بودجه ۱۳۸۷ حدود ۴۰ درصد کل بودجه عمومی کشور تنها زیر نظر معاونت معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی" ریاست جمهوری" فارغ از هر گونه کنترلی به دستگاههای دلخواه تخصیص داده شده است. و مسلم است با این ساز و کار تنها یک نوع توزیع رانت انجام پذیرفته است."

در بخشهای دیگر این نوشتار سایر تشابهات عملکرد سیستم فساد را خاطر نشان میسازم.

ارسال به بالاترین | ارسال به فیس بوک | نسخه قابل چاپ | بازگشت به بالای صفحه | بازگشت به صفحه اول

Served by C#1 Server #2 in 0.043 seconds